

## عزیمت یا رخصت بودن نماز قصر در ساحت فقه مقارن

اعظم نظری،<sup>۱</sup> حمید مسجدسرائی،<sup>۲</sup> محمدحسن حائری،<sup>۳</sup> اکرم عبدالله پور<sup>۴</sup>  
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۴)

### چکیده

در احکام دین مبین اسلام حکمی تشریح نشده است که مسلمانان در سختی و مشقت قرار گیرند و هر جا که این گونه باشد خداوند برای قابل تحمل بودن، گشایش و راحتی در آن قرار داده است که از جمله آن می‌توان به شکسته شدن نماز مسافر اشاره کرد. فقهای مذاهب خمس بر مشروعیت نماز قصر در سفر و مختص بودن آن به نمازهای چهاررکعتی اتفاق نظر دارند، اما در وصف این مشروعیت اختلاف نظر دارند که آیا نماز قصر در سفر، رخصت است یا عزیمت؟ به عبارتی فریضه نماز قصر برای مکلف حتمی و ترک آن جایز نیست و یا اینکه مکلف بین نماز شکسته و تمام مختار است؟ بنابراین هدف از انجام این پژوهش بررسی اقوال و ادله هر یک از مذاهب در خصوص وجوب یا عدم وجوب نماز قصر در سفر است. بررسی نظرات و منابع فقهی مذاهب حاکمی از آن است که فقهای امامیه و حنفیه به استناد آیه ۱۸۴ سوره بقره، روایات وارده و اجماع، قائل به عزیمت بودن نماز قصر هستند و در مقابل مذاهب مالکیه، شافعیه و حنابله به استناد آیه ۱۰۱ سوره نساء، روایات و اجماع قائل به رخصت بودن آن هستند.

---

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد/

nazari.azam@mail.um.ac.ir

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول)/

h\_masjedsaraie@profs.semnan.ac.ir

۳. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد/ haeri-m@um.ac.ir

۴. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران/

abdolahpur@pnu.ac.ir

**کلیدواژه‌ها:** نماز قصر، رخصت، عزیمت، سفر، فقه مقارن.

### طرح مسئله

صلاة در اصطلاح شرع و فقه عبارت است از عملی عبادی که از اجزاء و شرایط مخصوص تشکیل شده است و مقید به عدم موانع می‌باشد. از آنجایی که نماز یک عبادت خاصی است که از ناحیه شرع اختراع شده است از یک صورت و یک ماده مرکب شده است؛ که صورت آن اقوال و افعال و هیئت است و ماده آن عبادیت نماز و انجام آن به قصد قربت و تقرب به سوی خداوند متعال است؛ به عبارت دیگر نماز را جسم و روحی است که جسم آن حرکات و الفاظ است و روح آن نیت می‌باشد. مطابق روایت مشهوری از پیامبر ﷺ اسلام بر روی پنج پایه استوار شده است که اولین آن صلات است. در اهمیت این عمل عبادی همین مقدار کافی است که از آن با تعابیری نظیر «الصلوه عمود الدین» (سبزواری، ۱۴۲۵ق، ۵۳۷)، «الصلوه معراج المومن» (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ۶۰/۱۰)، «الصلوه قربان کل تقی» (شهید اول، ۱۴۰۸ق، ۸۵؛ مامقانی، ۱۳۱۶ق، ۳۲۱/۲) یاد شده است (مسجدسرای، ۱۳۹۱ش، ۳۸۳).

قصر در اصطلاح فقهی به معنای آن است که مسافر نماز خود را در سفر از نظر تعداد رکعات شکسته بخواند که با محقق شدن شرایطی این مهم صورت می‌گیرد که عبارت است از: مسافت هشت فرسخ شرعی پیموده شود؛ در طول مسافت سفر خود را قطع نکند؛ کثیرالسفر نباشد؛ سفرش معصیت و حرام نباشد؛ به حد ترخص برسد. شایان ذکر است وجوب قصر نماز در مسجدالحرام، مسجدالنبی ﷺ، مسجد کوفه و حائر حسینی (محل شهادت امام حسین ﷺ) به غیر از رواق و صحن) ساقط می‌گردد و در صورت عدم قصد اقامت کردن، بین قصر و تمام مخیر است، اما تمام خواندن افضل است؛ زیرا مکانهای شریف و مقدسی هستند و هرچه بیشتر عبادت انجام شود، بهتر خواهد بود (مسجدسرای، ۱۳۹۱ش، ۳۸۳ - ۴۸۴؛ جمیل، ۱۴۲۸ق، ۲۱۱).

در خصوص علت قصر نماز در سفر روایتی وارد شده است که: «فضل بن شاذان نیشابوری جزو عللی که برای قصر خواندن نماز در سفر از امام رضا ﷺ شنیده است یادآور شد که آن حضرت فرمودند: اینکه نماز در سفر شکسته شده به این جهت است که نماز واجبی که خداوند متعال در ابتدا بر خلائق مقدر فرموده تنها ده رکعت بود و بعد هفت رکعت

دیگر نیز به آن افزوده شد. سپس خداوند عزوجل آن زیاده را از بندگان ساقط نموده به خاطر وضع خاصی که سفر دارد و رنج و مشقت آنکه مسافر به کارهای خود می‌پردازد و باید بار بردارد و در جایی فرود آید و اقامت کند که مسافر ناگزیر برای معاش خود باید به آن بپردازد و این ناشی از رحمت و مهربانی خداوند عزوجل بر بندگان خویش است مگر در مورد نماز مغرب که قصر نمی‌شود، زیرا در اصل خود، نماز شکسته است...<sup>۵</sup> (مجلسی، ۱۴۰۶، ۲/۶۴۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۹۱/۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۱/۴۵۴).

فقه‌های امامیه و اهل سنت اتفاق نظر دارند که نماز قصر به عنوان واجب تعیینی مخصوص نمازهای چهار رکعتی است. بنابراین هر یک از نمازهای ظهر، عصر و عشا مانند نماز صبح دو رکعتی می‌گردد، ولی در نماز مغرب و صبح قصری وجود ندارد (طوسی، ۱۴۰۷، ۱/۵۶۸؛ کبالی، ۱۴۳۳، ۱۴۹؛ فرفور، ۱۳۹۰، ۱۲۵؛ ندوی، ۱۳۸۲، ۱۲۵؛ مزنی، ۱۴۱۹، ۱/۳۹؛ فقیه، ۱۴۱۳، ۱۶۸؛ ابن رشد، ۱۳۸۹، ۱/۱۶۹)، زیرا نماز صبح در اصل شفع بوده، پس اگر شکسته خوانده شود یک رکعت شده و نماز یک رکعتی جزء وتر وجود ندارد و مغرب در اصل وتر روز است؛ پس اگر یک رکعت آن قصر شود از اصالت وتر بودن خارج شده و اگر دو رکعت آن خوانده نشود با کم کردن اکثر رکعات کوتاهی در نماز می‌شود (خرقی، ۲۰۰۸، ۱/۶۹۰). در این راستا عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایتی نقل کرده است که: «الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ رُكْعَتَانِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَلَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا الْمَغْرِبُ ثَلَاثٌ: نماز در سفر دو رکعت می‌باشد و قبل و بعد از آن رکعتی نیست جزء نماز مغرب که سه رکعت است» (طوسی، ۱۳۹۰، ۱/۲۲۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۷، ۲/۴۷۶؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ۴/۲۸۹؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ۳/۳۵۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۹، ۱/۲۲۰؛ حر عاملی، ۱۴۱۲، ۲/۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ۳/۳۵۵؛ همدانی، ۱۴۱۶، ۹/۵۶؛ خوانساری، ۱۴۱۵، ۱/۲۳۷).

۵. متن عربی روایت چنین است: «ذَكَرَ الْفَضْلُ بْنُ شَادَانَ النَّيْسَابُورِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي الْعِلَلِ الَّتِي سَمِعَهَا مِنَ الرَّضَاءِ عليه السلام إِنَّ الصَّلَاةَ إِذَا قُصِرَتْ فِي السَّفَرِ لِأَنَّ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ أَوْلَىٰ إِذَا هِيَ عَشْرُ رُكْعَاتٍ وَالسَّبْعُ إِذَا زِيدَتْ فِيهَا بَعْدُ فَخَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ الْعَبْدِ تِلْكَ الزِّيَادَةَ لِمَوْضِعِ سَفَرِهِ وَتَعَبِهِ وَنَصَبِهِ وَاشْتِغَالِهِ بِأَمْرِ نَفْسِهِ وَظَعْنِهِ وَإِقَامَتِهِ لِئَلَّا يَشْتَغَلَ عَمَّا لَا بُدَّ مِنْهُ مِنْ مَعِيشَتِهِ رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَعْطَفًا عَلَيْهِ إِلَّا صَلَاةَ الْمَغْرِبِ فَإِنَّهَا لَا تُقَصَّرُ لَأَنَّهَا صَلَاةٌ مُقَصَّرَةٌ فِي الْأَصْلِ.»

«از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چرا نماز مغرب سه رکعت و نوافل بعد از آن چهار رکعت مقرر شده است و در سفر و حضر آن را کوتاه یا شکسته نمی‌توان خواند؟ در پاسخ فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی هر نمازی را دورکعتی بر پیامبر صلی الله علیه و آله خود نازل کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله به هر نمازی در حضر دو رکعت افزودند و در سفر آن دو رکعت را قصر کردند و نماز را به صورت اولیه باقی گذاشتند مگر نماز مغرب و صبح را؛ پس زمانی پیامبر صلی الله علیه و آله نماز مغرب را می‌خواندند که خبر ولادت فاطمه علیها السلام را برایشان آوردند. پس از شکرگزاری به درگاه خداوند به پاس مولود به دنیا آمده یک رکعت به نماز مغرب افزودند. مدتی دیگر گذشت تا زمانی که حضرت امام حسن علیه السلام به دنیا آمدند رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شکرگزاری به درگاه خداوند دو رکعت نافله مغرب را افزودند. پس از مدتی که امام حسین علیه السلام متولد شدند، باز به عنوان شکرگزاری خداوند عزوجل دو رکعت دیگر به نافله شام افزودند و فرمودند: برای پسر بهره و نصیب دو دختر است»<sup>۶</sup> (ابن بابویه، ۱۳۸۶ق، ۲/۳۲۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۸۸/۴).

با عنایت به اینکه مسئله «رخصت یا عزیمت نماز قصر» از جمله مباحث اختلافی در میان مذاهب است، لذا ضرورت ایجاب می‌کند تا این مهم در منابع فقهی امامیه و اهل سنت بازنگری شود.

### ادله فقهی‌های مذاهب در رخصت یا عزیمت بودن نماز قصر

فقهی‌های مذاهب خمس در اثبات ادعای خود پیرامون رخصت یا عزیمت بودن نماز قصر به دلایلی استناد کرده‌اند که در ذیل علاوه بر ذکر نظرات آنها به نقد و بررسی ادله‌شان پرداخته می‌شود.

۶. متن عربی روایت چنین است: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ الدِّينَوْرِيُّ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ لِمَ صَارَتِ الْمَغْرِبُ ثَلَاثَ رَكَعَاتٍ وَ أَرْبَعًا بَعْدَهَا لَيْسَ فِيهَا تَقْصِيرٌ فِي حَضْرٍ وَ لَا سَفَرٍ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله لِكُلِّ صَلَاةٍ رَكَعَتَيْنِ فِي الْحَضْرِ فَأَضَافَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِكُلِّ صَلَاةٍ رَكَعَتَيْنِ فِي الْحَضْرِ وَ قَصَرَ فِيهَا فِي السَّفَرِ إِلَّا الْمَغْرِبَ وَ الْعِدَاةَ فَلَمَّا صَلَّى الْمَغْرِبَ بَلَغَهُ مَوْلِدُ فَاطِمَةَ علیها السلام فَأَضَافَ إِلَيْهَا رَكَعَةً شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحَسَنُ علیه السلام أَضَافَ إِلَيْهَا رَكَعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحُسَيْنُ علیه السلام أَضَافَ إِلَيْهَا رَكَعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ لِلذَّكْرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيْنِ فَتَرَكَهَا عَلَيَّ حَالِهَا فِي الْحَضْرِ وَ السَّفَرِ.»

## ۱. نظر و ادله فقهای امامیه

فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که نماز قصر، عزیمت یعنی واجب است و با محقق شدن شرایط قصر می‌بایست نماز به صورت شکسته خوانده شود و در صورتی که با علم به وجوب قصر، از روی عمد نماز را کامل به جا آورد نمازش باطل و باید آن را به صورت شکسته اعاده کند (حیدر، ۱۴۳۱ق، ۳ و ۴/۳۴۳؛ جناتی، ۱۴۱۱ق، ۱/۳۳۰). فقهای امامیه در اثبات ادعای خود مبنی بر عزیمت بودن نماز قصر به دلایلی استناد کرده‌اند که در ذیل به بیان و نقد و بررسی آنها پرداخته می‌شود.

### ۱-۱. کتاب

فقهای امامیه در خصوص عزیمت بودن نماز قصر به کلام خداوند در آیه ۱۸۴ سوره بقره استناد کرده‌اند: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد).»

مفسرین معتقدند که آیه شریفه بیانگر حکمی استثنایی است، بدین معنی که دو گروه از روزه گرفتن معاف هستند؛ یکی کسانی که در ماه رمضان بیمار هستند که در نتیجه روزه‌داری ممکن است ضعف و ناتوانی آنها افزایش پیدا کرده و زندگی آنها به خطر افتد و نیز گروهی که در ماه رمضان از شهر خود خارج شده و به سفر می‌روند و برای اینکه بتوانند در سفر آسایش داشته باشند روزه از آنها ساقط شده است و این دو گروه موظفند پس از پایان ماه رمضان مقدار روزهایی را که افطار کرده‌اند را روزه بگیرند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ۱۱۲/۲).

در این راستا از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «بعضی از مردم به رسول اکرم صلی الله علیه و آله افتراء می‌بندند که ایشان در سفر روزه می‌گرفتند، در حالی که آیه شریفه فوق هنگام نماز ظهر نازل شد و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کراع الغمیم (بیابانی در یک کیلومتری مکه) بودند و سپس ظرف آبی طلب کردند و از آن آشامیدند و امر فرمودند که دیگران هم افطار کنند و اما گروهی گفتند ما روزه خواهیم گرفت و افطار نمی‌کنیم. این بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را گروه گناهکار خواند و تا هنگام وفات نیز آن گروه به همان اسم نامیده می‌شدند» (شوشتری، ۱۴۰۶ق، ۳/۲۷۰).

در رد این ادعا می‌توان گفت که این نظر بر خلاف ظاهر است و دلیلی برای تقدیر جمله «فافرط» وجود ندارد؛ زیرا جمله «فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» بیان‌کننده حکم کسانی است که استثناء

شده‌اند و وظیفه آنان روزه گرفتن در سایر ایام سال است و دادن اختیار در چنین مواردی به بیمار یا مسافر برای روزه‌داری بر خلاف مبنای اسلام است. حتی اگر فرض کنیم که جمله «فأفطر» در تقدیر باشد باز هم «لزوم افطارکردن» استفاده می‌شود، زیرا آیه شریفه در مقام تشریح حکم استثنایی است و جمله «فأفطر» دلالت بر لزوم افطارکردن دارد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ۱۱۳/۲-۱۱۲). شایان ذکر است اگرچه آیه فوق در خصوص روزه مسافر وارد شده است و اثبات‌کننده ساقط‌شدن روزه از مکلف مسافر است و اما می‌توان آن را به نماز مسافر تعمیم داد و قائل به عزیمت‌بودن نماز قصر شد.

### ۲-۱. سنت

فقهای امامیه به استناد روایاتی معتقد به عزیمت‌بودن نماز قصر هستند که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

روایت اول: عمران بن الحصین در روایتی نقل کرده است: «حججت مع النبی ﷺ فکان یصلی رکعتین حتی ذهب، و کذلک مع ابي بکر، و کذلک مع عمر حتی ذهب؛ همراه پیامبر ﷺ بودم پس ایشان نمازش را دو رکعت می‌خواند تا اینکه رفتند و نیز ابوبکر و عمر چنین کردند تا رفتند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۵۷۰/۱؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ۳۵۶/۴).

روایت دوم: روایتی از ابن عباس نقل شده است که: «فرض الله الصلاة علی لسان نبیکم فی السفر رکعتین و فی الخوف رکعتین: خداوند نماز را به وسیله پیامبر ﷺ دو رکعت در سفر و در خوف، یک رکعت واجب گرداند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۵۷۰/۱؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ۴۰۱/۴؛ سبحانی، بی تا، ۵۹/۱).

روایت سوم: در خصوص عزیمت‌بودن نماز مسافر، حلبی بیان می‌کند که: «قلت لابی- عبدالله ﷺ صلّیت الظهر اربع رکعات و أنا فی السفر. قال: اعدھا: به امام صادق ﷺ عرض کردم در حالی که مسافر بودم نماز ظهر را چهاررکعتی خواندم و ایشان فرمودند که آن را اعاده کن» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۵۷۱/۱).

### ۳-۱. اجماع

در جواهرالکلام و خلاف طوسی ادعای اجماع فقهای امامیه بر وجوب نماز قصر در سفر شده است و با عنایت به اینکه در فقه امامیه نظری برخلاف آن وارد نشده است و لذا ادعای اجماع می‌تواند قابل قبول باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۹۳/۱۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۵۷۰/۱).

## ۲. نظر و ادله فقهای حنفیه

در میان مذاهب اهل سنت، فقهای حنفیه با امامیه اتفاق نظر دارند و قائل به عزیمت بودن و وجوب نماز قصر هستند که از نظر حنفیه واجب معادل سنت مؤکده است که ترک عمدی آن موجب بطلان نماز نمی‌شود، ولی تارک آن گنہکار و از شفاعت محروم است (حسینی ادیانی، ۱۳۹۳ش، ۲۲۴؛ ابن نجیم مصری، بی‌تا، ۱۴۰/۲؛ موسی، ۱۴۱۰ق، ۱۱۸؛ علوش، ۱۴۲۰ق، ۲۷۱). در این راستا فقهای حنفیه به روایتی از عایشه استناد کرده‌اند که وی می‌گوید: «فرضت الصلاه رکعتین، رکعتین فاقرت صلاه المسافر و زید فاصلاه الحضر: نمازها دو رکعت دو رکعت واجب شده بود، پس نماز مسافر تثبیت شد و بر نماز حضر افزوده شد» (زحیلی، ۱۴۲۶ق، ۱/۲۶۴؛ ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ۲/۱۳۳؛ موسی، ۱۴۱۰ق، ۱۱۸؛ نووی، بی‌تا، ۱۵۶/۴). هم‌چنین بخاری و مسلم از انس روایت کرده‌اند که بیان می‌دارد: «خرجنا مع النبی من المدینه ﷺ الی مکه فکان یصلی رکعتین رکعتین، حتی رجعنا الی المدینه: با رسول خدا ﷺ از مدینه به سوی مکه بیرون آمدیم پس آن حضرت دو رکعت نماز خواندند تا آنکه به مدینه بازگشتیم» (نارویی، ۱۳۹۱ش، ۱۱۵؛ غاوجی، ۱۴۲۹ق، ۱/۳۵۱).

شایان ذکر است که فقهای حنفیه نماز قصر را کمتر از فرض و مساوی با مستحب مؤکد می‌دانند. بنابراین طبق نظر آنها بر مسافر مکروه است که عمداً نماز را تمام بخواند ولی اگر سهواً به دو رکعت افزوده و چهار رکعت به‌جا آورد و در رکعت دوم برای تشهد بنشیند این دو رکعت بر فرض کفایت می‌کند و مازاد بر دو رکعت نافله است. لکن با ترک واجب گناهکار است و در روز قیامت از شفاعت نبی محروم می‌شود. ولی اگر تشهد نخواند به دلیل مختلط شدن نافله با فرض، نمازش باطل است، افزون بر اینکه با تمام خواندن، سلام واجب را از محلش که رکعت دوم بوده به تأخیر انداخته است (جزیری، ۱۴۱۹ق، ۱/۶۰۷-۶۰۶؛ ذوالفقارطلب، ۱۳۷۹ش، ۱۴۲؛ علوش، ۱۴۲۰ق، ۲۷۱؛ جناتی، ۱۴۱۱ق، ۱/۳۳۰).

## ۳. نظر و ادله فقهای مالکیه

فقهای مالکیه در قول مشهوری نماز قصر را مستحب مؤکد می‌دانند و در صورت تمام خواندن، مسافر فقط از ثواب آن محروم شده و از شفاعت نبی آن‌گونه که حنفیه قائل بودند محروم نمی‌گردد و بر ترک آن مؤاخذه نخواهد شد و اگر مسافر، مسافری مثل خودش نیافت تا نماز را به او اقتدا کند مکروه می‌دانند که به امام مقیم اقتدا کند، زیرا در صورت اقتدا ملزم به

تمام خواندن نماز شده و سنت قصر مؤکده از او فوت می‌گردد (قصری، ۱۴۲۱ق، ۳۳۴؛ جزیری، ۱۴۱۹ق، ۶۰۷/۱؛ دمنهوری، ۱۴۱۳ق، ۴۳۵/۱؛ اسماعیل، ۱۴۱۰ق، ۲۲۰/۱).

فقه‌های مالکیه در اثبات ادعای خود به آیه ۱۰۱ سوره نساء استناد می‌کنند که خداوند می‌فرماید: «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا:» و چون در زمین سفر کردید، اگر بیم داشتید که آنان که کفر ورزیده‌اند به شما آزار برسانند، گاهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، چرا که کافران پیوسته برای شما دشمنی آشکارند.» افزون بر اینکه روایتی را نقل می‌کنند: «روی الاسود عن عائشه قالت: اخرجت مع النبي محمد ﷺ في عمره في رمضان فافطر و صمت و قصر و اتممت فقلت يا رسول الله ﷺ بابي و امي، افطرت و صمت و قصرت و اتممت فقال «احسنت»: اسود از عائشه روایت کرده است: برای عمره در ماه رمضان به همراه پیامبر ﷺ خارج شدم، پس ایشان افطار کرد، در حالی که من روزه می‌گرفتم و ایشان نماز قصر می‌کرد در حالی که من تمام می‌خواندم پس گفتم یا رسول الله ﷺ پدر و مادرم فدایت، شما افطار می‌کنید و من روزه‌ام و شما قصر می‌کنید و من تمام می‌کنم. پس پیامبر ﷺ فرمودند: احسنت» (قصری، ۱۴۲۱ق، ۳۳۴؛ حیدر، ۱۴۳۱ق، ۳ و ۴/۳۵۲).

در رد استدلال می‌توان گفت که روایت مرسل است و به نقل از «البدر المنیر» آورده است که متن این حدیث غیر قابل قبول است و با روایات دیگر نیز مخالف می‌باشد و عائشه گفته که با پیامبر ﷺ برای عمره رمضان خارج شدم، ولی مشهور این است پیامبر ﷺ در عمرشان فقط چهار بار عمره رفتند و هیچ‌کدام از آنها در ماه رمضان نبوده بلکه همه در ماه ذی‌القعدة بوده است (همان‌جا).

ثانیاً؛ چگونه عائشه تمام می‌گزارد و روزه می‌داشت با اینکه پیامبر ﷺ و اصحابش قصر و افطار می‌کردند، در حالی که قافله‌ها مسافت مدینه تا مکه را به مدت ده روز می‌پیمودند، پس چه‌طور عائشه با پیامبر ﷺ و صحابه مخالفت می‌کرد و به همین دلیل «ابن تیمیه» این حدیث را از عائشه کذب می‌داند و می‌گوید: عائشه هرگز به خلاف پیامبر ﷺ و صحابه نماز نمی‌خواند، در حالی که می‌دید آنها نماز را قصر می‌کردند و او به تنهایی و بدون دلیل تمام بخواند؛ به‌گونه‌ای که نقل نشده است که کسی نمازهای چهاررکعتی را کامل خوانده است (ر.ک: همان‌جا).



#### ۴. نظر و ادله فقهای شافعیه و حنابله

فقهای شافعیه و حنابله قائل به رخصت بودن نماز قصر هستند و معتقدند مسافر میان تمام یا قصر خواندن نمازهای چهاررکعتی مخیر است (زحیلی، ۱۴۲۶ق، ۱/۲۶۵؛ حیدر، ۱۴۳۱ق، ۳/۴۰۳ و ۳۵۲؛ خرقی، ۲۰۰۸م، ۱/۶۹۱؛ سلقینی، ۱۴۱۶ق، ۱/۳۴۴؛ جناتی، ۱۴۱۱ق، ۱/۳۳۱) که در این راستا به حدیث ابن عمر استناد کرده‌اند: «ان الله یحب ان توتی رخصه کما یحب ان توتی عزائمہ: همانا خداوند دوست می‌دارد احکام ترخیصی او انجام شود؛ هم‌چنان‌که دوست می‌دارد احکام عزایمی او انجام گردد» (زحیلی، ۱۴۲۶ق، ۱/۲۶۵؛ سرخسی، بی‌تا، ۲۸۶). شایان ذکر است شافعیه در افضلیت قصر یا اتمام اختلاف نظر دارند و در این راستا دو قول از آنها بیان شده است:

الف) نماز قصر افضل است؛ مشروط بر آنکه مسافت سفر به سه مرحله برسد و در غیر این صورت قصر را افضل نمی‌دانند؛ زیرا از نظر فقهای شافعیه، کمترین مسافت قصر دو مرحله است، پس اگر مسافت سفرش دو مرحله باشد او را در قصر و اتمام مخیر می‌دانند و اما با رسیدن مسافت، تمام خواندن نماز در سفر را برای او افضل می‌دانند (جزیری، ۱۴۱۹ق، ۱/۶۰۷؛ ر.ک: شیخ الاسلام، ۱۳۳۷ش، ۱/۶۸).

در مقابل فقهای حنابله معتقدند که نماز قصر به طور مطلق افضل است به استناد قول حضرت محمد ﷺ که می‌فرمایند: «خیار عباد الله تعالی الذین اذا سافروا قصرُوا» و نیز به دلیل مداومت پیامبر ﷺ بر خواندن نماز قصر؛ زیرا مداومت بر امری صورت نمی‌گیرد مگر اینکه افضل باشد. وانگهی به اجماع فقها استناد شده است که با قصر، نماز ادا می‌شود، برخلاف تمام‌گزاردن نماز که در کفایت‌کردن آن اختلاف نظر است (ر.ک: حلی، ۱۴۱۴ق، ۴/۳۵۸).

ب) قول دوم شافعیه، نظر مختار مزنی است که تمام خواندن نماز را به دلیل اصل، افضل می‌داند و معتقد است که اصل اول رخصت است و نماز را تمام‌گزاردن از نظر عمل و تعداد رکعات بیشتر است (جزیری، ۱۴۱۹ق، ۱/۶۰۷؛ خرقی، ۲۰۰۸م، ۱/۶۹۳؛ جناتی، ۱۴۱۱ق، ۱/۳۳۱).

ج) شافعیه و حنابله در قولی بیان می‌دارند که اگر مدت سفر کمتر از سه روز باشد گزاردن نماز به طور کامل افضل است و اما اگر مدت سفر بیش از سه روز باشد، گزاردن نماز به طور قصر افضل است (ذوالفقارطلب، ۱۳۷۹ش، ۱۴۲).

فقه‌های شافعیه و حنابله در خصوص رخصت‌بودن نماز قصر به دلایلی از کتاب و سنت استناد کرده‌اند که در ذیل به نقد و بررسی آن می‌پردازیم:

#### ۴-۱. کتاب

فقه‌های مذاهب شافعیه و حنابله در راستای ادعای خود پیرامون رخصت‌بودن نماز قصر به کلام خداوند در آیه ۱۰۱ سوره نساء استناد کرده‌اند: «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا: هنگامی که سفر می‌کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر از فتنه (و خطر) کافران بترسید.» در این راستا فقه‌های شافعیه معتقدند: «جناح» جز در فعل مباح به‌کار نمی‌رود، مانند قول خداوند در آیه ۲۳۶: «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرَضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً: اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست» (رک: نووی، بی تا، ۱۵۶/۴). بنابراین جمله «فلیس علیکم جناح» به معنای «گناهی بر شما نیست» دلالت بر تخییر نماز میان قصر و تمام دارد نه دلالت بر تعیین قصر؛ بنابراین مسافر در تمام یا قصر خواندن نمازهای چهاررکعتی مخیر است.

فقه‌های امامیه در رد این استدلال پاسخهایی را بیان می‌دارند:

پاسخ اول: بعضی از فقها این آیه شریفه را جزو دلیلهای نماز قصر نمی‌دانند؛ یعنی برای قصر نمازهای چهاررکعتی در مسافرت از مدارک دیگری استفاده کرده‌اند و این آیه شریفه را مخصوص «نماز خوف» یا «نماز مطارده» (خوف شدید) می‌دانند؛ زیرا در دنباله آیه شریفه چنین آمده است: «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ ... مُبِينًا» (نساء، ۱۰۱) (وحیدی، ۱۳۸۱ ش، ۲۵۲) و بالاتر از این بعضی از فقها کوتاه‌کردن نماز را که در این آیه آمده است فقط ناظر به کوتاه‌کردن افعال و اذکار نماز دانسته‌اند که حتی در بعضی از موارد با سر و اشاره انجام می‌گیرد و اما کوتاه‌کردن نماز با کاستن تعداد رکعات نماز را (حتی در نماز خوف) از این آیه استفاده نکرده‌اند (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ۱۴۳/۱).

پاسخ دوم: فقه‌هایی هم که شکسته‌خواندن نماز را از این آیه استفاده کرده‌اند می‌فرمایند: استفاده تخییر از جمله «فلیس علیکم جناح» در صورتی متعین است که در موارد دیگری که این تعبیر یا مانند آن در قرآن کریم آمده است نیز تخییر استفاده شده باشد و حال آنکه چنین نیست. به‌طور مثال درباره سعی بین صفا و مروه در حج، قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ

الصَّفا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا: «صفا» و «مروه» از شعائر (و نشانه‌های) خداست! بنابراین کسانی که حج خانه خدا و یا عمره انجام می‌دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند» (بقره، ۱۵۸). در این آیه با اینکه مسئله سعی صفا و مروه به صورت جمله «فلا جناح علیه ان یصوف بهما» آمده است، در عین حال سعی صفا و مروه به اتفاق همه مذاهب لازم و واجب است (وحیدی، ۱۳۸۱ ش، ۲۵۳؛ راوندی، ۱۴۰۵ ق، ۲۷۴/۱). شایان ذکر است در این راستا روایتی وارد شده است: «زراره و محمد بن مسلم (دو نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام) می‌گویند به امام صادق علیه السلام عرض کردیم درباره کیفیت و مقدار نماز در سفر چه می‌فرمایید؟ فرمودند: خداوند عزوجل فرموده است: «و هرگاه سفر کردید گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه نمایید.» پس کوتاه‌کردن نماز در سفر واجب است، مانند تمام خواندن نماز در حضر (غیر سفر) گفتند ما به حضرت عرض کردیم: خداوند عزوجل فرموده است: «بر شما گناهی نیست» و نفرموده است حتما انجام بدهید پس چگونه واجب شده است؟ فرمودند: آیا خداوند عزوجل درباره سعی صفا و مروه نفرموده است: «هر کس حج و عمره انجام دهد گناهی بر او نیست که سعی صفا و مروه نماید» آیا نمی‌بینید (که با همین تعبیر) سعی واجب شده است و خداوند در کتابش چنین فرموده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان وجوب انجام داده است و تقصیر در سفر نیز چنین است»<sup>۷</sup> (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ۴۳۴/۱؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ ق، ۳۵۹/۳؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ق، ۴۲۷/۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ۳۸/۷؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ ق، ۳۴۹/۶).

پاسخ سوم: آیه دلالتی بر رخصت یا عزیمت بودن نماز قصر ندارد و عبارت «لا جناح» برای رفع توهم نقصان نماز است، بدین معنی که مردم گمان نکنند نماز شکسته اجرش کمتر از نماز کامل است. در این راستا امام علی علیه السلام می‌فرماید: «من قصر الصلاة في السفر و افطر

۷. متن عربی روایت چنین است: «رَوَى عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا قَالَا قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام مَا تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ كَيْفَ هِيَ وَ كَمْ هِيَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ فَصَارَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ وَاجِباً كَوَجُوبِ التَّمَامِ فِي الْحَضَرِّ قَالَا قُلْنَا إِنَّمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ وَ لَمْ يَقُلْ أَفْعَلُوا فَكَيْفَ أَوْجِبَ ذَلِكَ كَمَا أَوْجِبَ التَّمَامَ فِي الْحَضَرِّ فَقَالَ علیه السلام أَوْ لَيْسَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الصَّفا وَالْمَرْوَةَ - فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الطَّوَّافَ بِهِمَا وَاجِبٌ مَفْرُوضٌ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ وَ صَنَعَهُ نَبِيُّهُ صلی الله علیه و آله وَ كَذَلِكَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ شَيْءٌ صَنَعَهُ النَّبِيُّ ص وَ ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِي كِتَابِهِ.»

فقد قبل تخفيف الله عزوجل و كملت صلاته: هرکس نماز را در مسافرت شکسته بخواند و روزه‌اش را افطار کند تخفیف (و هدیه) خداوند را پذیرفته و نمازش کامل است» (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ۱/۱۰۵؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ۷۰/۸۶؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۵۴۲/۶).

#### ۴-۲. سنت

فقهای شافعیه و حنابله در راستای ادعای خود مبنی بر رخصت بودن نماز قصر به روایتی استناد کرده‌اند که در ذیل به همراه استدلال فقهای امامیه و حنفیه در رد آن بیان می‌داریم.

«اخرج مسلم عن يعلى بن اميه قال: قلت لعمر بن الخطاب: «فليس عليكم جناح ان تقصروا من الصلاه ان يفتنكم الذين كفروا» فقال عجب مما عجب منه، فسالت رسول الله ﷺ قال: «صدقه من الله بها عليكم فاقبلوا صدقته: از يعلى بن اميه روايت شده كه گفت: پرسيدم از عمر كه چيست حال ما كه قصر مي‌كنيم نماز را در سفر در حال امن و عدم خوف؟ گفت من نيز تعجب كردم از آن چه تو تعجب كردى، پس از رسول خدا ﷺ پرسيدم و آن حضرت فرمودند: قصر نماز در سفر صدقه‌اى است كه خداوند به شما ارزاني داشته است پس آن را بپذيريد» (استرآبادى، ۱۳۹۴ق، ۲۶۷؛ سبحانى، ۱۴۲۳ق، ۳۴۲/۱؛ جزیری، ۱۴۱۹ق، ۶۰۸/۱).

فقهای امامیه و حنفیه در رد این استدلال بیان می‌دارند که قیاس صدقه خداوند با صدقات مردم قیاس مع الفارق است؛ زیرا اگر صدقه‌دهنده انسان باشد قبول صدقه یا هبه بر متصدق واجب نیست، ولی اگر صدقه‌دهنده خدای تعالی باشد قبول آن واجب است؛ به دلیل آنکه صدقه خداوند امری امتنانی بوده و امتنان ناشی از حکمت بالغه الهی است. بنابراین از آن جایی که مصالح ذاتی بشر اقتضای چنین امتنانی را می‌کند خداوند بر بندگان منت گذاشته است و لذا قبول صدقه بر آنها فرض خواهد بود.

شایان ذکر است که در خصوص حرمت رد صدقه خدای تعالی امام صادق ﷺ از پدران خود و آنها از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ أَهْدَى إِلَيَّ وَ إِلَى أُمَّتِي هَدِيَّةً - لَمْ يُهْدِهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ كِرَامَةً مِنَ اللَّهِ لَنَا - قَالُوا وَمَا ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ - قَالَ الْإِفْطَارُ فِي السَّفَرِ وَ التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ - فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عِزًّا وَ جَلَّ هَدِيَّتُهُ: خداوند متعال هدیه‌ای به من و امتم کرامت فرموده که به امتهای گذشته نداده است. عرض کردند: آن هدیه چیست؟ فرمود: اجازه افطار روزه و نصف شدن نماز (نمازهای چهاررکعتی) در مسافرت.

پس هرکس چنین نکند هدیه خداوند را رد کرده است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۲۰/۸؛ میلانی، ۱۳۹۵ق، ۱۱۶؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ۵۳/۲۱؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق، ۶۱؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۶ق، ۴۴۵/۵).

### ۳-۴. اجماع

قائلین به رخصت بودن نماز قصر ادعای اجماع کرده‌اند و معتقدند از آن جایی که فقها اجماع دارند مسافر هنگام اقتدا کردن به مقیم حتی اگر یک رکعت نماز را درک کند، خواندن چهار رکعت نماز بر او لازم می‌آید و این خود دلیل واضحی بر رخصت بودن نماز قصر است؛ زیرا اگر فرض مسافر دو رکعت باشد چهار رکعت بر او لازم نمی‌شود (حیدر، ۱۴۳۱ق، ۷۰/۴ و ۳؛ ر.ک: قضا، ۲۰۱۰م، ۸۳).

«جصاص» در رد این ادعا بیان می‌دارد که این استدلال باطل است، زیرا داخل شدن در نماز امام، فرض را تغییر می‌دهد، مگر نمی‌بینی که نماز زن و عبد روز جمعه چهار رکعت است و اگر داخل نماز جمعه شوند دو رکعت نماز می‌گذارند و این دلالت نمی‌کند که آنها قبل از دخول بین چهار و دو رکعت مخیر بوده‌اند (جصاص، ۱۴۲۸ق، ۳۱۹/۲).

### نتیجه

فقه‌های مذاهب خمسسه در اتفاق نظری معتقدند نماز قصر به نمازهای چهاررکعتی اختصاص دارد و در نماز صبح و مغرب، قصری صورت نمی‌گیرد؛ اما در خصوص رخصت یا عزیمت بودن نماز قصر فقهای مذاهب خمسسه اختلاف نظر دارند. با این توضیح که طبق نظر فقهای امامیه و حنفیه قصر نماز، عزیمت است و بنابراین وجوب قصر بر مسافر، حکمی الزامی است نه اختیاری؛ اما در مقابل فقهای حنابله، شافعیه و مالکیه معتقدند که مسافر در قصر نماز دارای اختیار است و می‌تواند نماز را شکسته و یا کامل به‌جا آورد. هر یک از مذاهب به ادله‌ای نظیر سنت و اجماع استناد جسته‌اند که درخور نقد و رد است؛ البته در بین ادله فقهای امامیه، اجماع از استحکام بیشتری برخوردار است. فقهای مذاهب اربعه نیز به آیاتی از قرآن و نیز روایات استناد جسته‌اند که تاب اثبات مدعای آنان را ندارد. نظر حنفیها در بین مذاهب اربعه در این موضوع همسو با نظر امامیه است.


## فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۶ق.
- همو، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر، *المهذب*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ابن رشد، محمد بن احمد، *بدایة المجتهد و نهاية المقتصد*، قم، الشریف الرضی، ۱۳۸۹ق.
- ابن عابدین، محمدامین بن عمر، *رد المحتار علی الدر المختار*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم، *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، بیروت، دارالکتاب الإسلامی، بی تا.
- استرآبادی، محمد بن علی، *آیات الأحکام فی تفسیر کلام الملک العلام*، تهران، کتابفروشی معراجی، ۱۳۹۴ق.
- اسماعیل، محمدبکر، *الفقه الواضح من کتاب و السنة علی المذاهب الاربعه*، قاهره، دارالمنار، ۱۴۱۰ق.
- اشتهاودی، علی پناه، *مدارک العروه*، تهران، اسوه، ۱۴۱۷ق.
- جزیری، عبدالرحمن؛ غروی، سید محمد؛ مازح، یاسر، *الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت*، بیروت، دارالتقلین، ۱۴۱۹ق.
- جصاص، احمد بن علی، *احکام القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۸ق.
- جمیل، هاشم، *مسائل من الفقه المقارن: احکام تتعلق بالعبادات*، دمشق، دارالسلام، ۱۴۲۸ق.
- جناتی، محمدابراهیم، *دروس فی الفقه المقارن*، قم، مجمع الشهدید الصدر، ۱۴۱۱ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- همو، *هدایة الأمة الی احکام الأئمة (منتخب المسائل)*، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.
- حسینی ادیان، سید ابوالحسن، *فقه مقارن (۱) بررسی بخشی از احکام نماز در فقه امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت*، تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۳ش.
- حسینی روحانی، سید محمدصادق، *منهاج الصالحین*، قم، دفتر آیه الله روحانی، بی تا.
- حسینی همدانی سید محمدحسین، *انوار درخشان*، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.
- همو، *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.

- حیدر، اسد، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، بیروت، المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۱ق.
- خرقي، عمر بن حسین، المغنی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۸م.
- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
- دمنهوری، عاشور بریک، احکام العبادات، بیروت، مکتبه دارالهدی، ۱۴۱۳ق.
- ذوالفقارطلب، مصطفی، فقه تطبیقی، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۹ش.
- راوندی، سعید بن هبته الله، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
- زحیلی، وهبه، الوجیز فی الفقه الاسلامی، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۶ق.
- سبحانی، جعفر، الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۳ق.
- همو، سلسله المسائل الفقهیه، قم، بی نا، بی تا.
- همو، ضیاء الناظر فی احکام صلاة المسافر، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
- سبزواری، هادی بن مهدی، اسرار الحکم فی المفتتح و المختتم، قم، مطبوعات دینی، ۱۴۲۵ق.
- سرخسی، محمد بن احمد، المبسوط، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- سلقینی، ابراهیم محمد، الفقه الاسلامی، دمشق، جامعه دمشق، ۱۴۱۶ق.
- شوشتری، محمد تقی، النجعة فی شرح اللمعة، تهران، کتابفروشی صدوق، ۱۴۰۶ق.
- شهید اول، محمد بن مکی، النقلیه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۸ق.
- همو، ذکری الشیعة فی احکام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۹ق.
- شیخ الاسلام، محمد، راهنمای مذهب شافعی در قوانین احکام شرعی و مسائل فروع فقهیه، بخش عبادات و معاملات، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ش.
- طباطبایی قمی، سید تقی، مبانی منهاج الصالحین، قم، منشورات قلم الشرق، ۱۴۲۶ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- همو، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- علوش، عبدالسلام، تقریب المنفعة الی فقه المذاهب الاربعه، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۰ق.
- غاوجی، وهبه سلیمان، ارکان الاسلام: فقه العبادات علی مذهب الامام ابی حنیفه النعمان (الشهادتان - الصلاة - الزکاة - الصوم - الحج)، بیروت، دارالبشائر الاسلامیه، ۱۴۲۹ق.
- فرفور، عبداللطیف صالح، احکام الصلاة علی المذهب الشافعی، دمشق، مکتبه محمد المہاینی، ۱۳۹۰ق.
- فقیه، محمد تقی، من مناهج الفقیه و مبانیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ق.

- فیض کاشانی، ملا محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام ١٤٠٦ق.
- همو، معتصم الشیعة فی أحكام الشریعة، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، ١٤٢٩ق.
- قصری، مصطفی محمد، جامع الاقوال و الدلالات فی احکام العبادات علی مذهب الامام مالک، مغرب، وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، ١٤٢١ق.
- قضاء، نوح علی سلیمان، المسائل الفقهیه المشهوره فی المذهب الشافعی: قسم العبادات، عمان، دارالفتح، ٢٠١٠م.
- کبالی، محمد عادل، فقه الطهارة و الصلاة، فقه صلاة الجماعة و الجمعة، فقه الصیام و مسائل مهمه فی الزکاة، قاهره، زهرة المستقبل، ١٤٣٣ق.
- مامقانی، محمدحسن بن عبدالله، غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب، قم، مجمع الذخائر الإسلامیه، ١٣١٦ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر، ١٤١٠ق.
- همو، ملاذ الاخیار، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ١٤٠٦ق.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، المعتبر فی شرح المختصر، قم، مؤسسه سیدالشهداء، ١٤٠٧ق.
- مزنی، اسماعیل بن یحیی، مختصر المزنی فی فروع الشافعیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٩ق.
- مسجدسرای، حمید، ترمینولوژی فقه، تهران، بیک کوثر، ١٣٩١ش.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ١٤٠٢ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٣ق.
- موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ١٤١١ق.
- موسی، عبدالحلیم بن محمود، الفقه الاسلامی المیسر فی العقائد و العبادات و المعاملات علی المذاهب الاربعه، قاهره، دارالفکر العربی، ١٤١٠ق.
- میلانی، سید محمدهادی، محاضرات فی فقه الإمامیه - صلاة المسافر و قاعدتی الصحة و الید، مشهد، دانشگاه فردوسی، ١٣٩٥ق.
- نارویی، دادرحسن، نماز کامل با ترجمه همراه با ١٧٠ مسئله، مشهد، معلا، ١٣٩١ش.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ١٤٠٤ق.
- ندوی، شفیق الرحمن، الفقه المیسر علی مذهب الامام الاعظم ابی حنیفه النعمان: قسم العبادات، زاهدان، بی نا، ١٣٨٢ش.



- نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البیت ، ۱۴۰۸ق.

- نووی، یحیی بن شرف، *المجموع شرح المہذب*، بیروت، بی نا، بی تا.

- وحیدی، محمد، *فلسفه و اسرار احکام*، قم، عصمت، ۱۳۸۱ش.

- همدانی، آقا رضا، *مصباح النقیہ*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.